



عکس: کیوان جعفری

گفت‌وگوی «ایران» با مدیرکل دفتر مهندسی رودخانه‌ها و سواحل درباره برنامه وزارت نیرو برای تملک بستر رودخانه‌ها، تالاب‌ها و انهار

۴۲ تالاب را به‌نام وزارت نیرو سند می زنند

صдор سند تالاب انزلی به‌نام وزارت نیرو با واکنش منفی فعالان محیط زیست و منابع طبیعی روبه رو شد. رئیس سازمان جنگل‌های کشور از مخالفت با این واگذاری خبر داد. محیط‌زیستی‌ها هم یادآور شدند مالکیت تالاب‌ها با منابع طبیعی است و حفاظت آنها در حیطه مسئولیت‌های محیط زیست است. همین موضوع بهانه گفت‌وگوی ما با غزال جعفری مدیرکل دفتر مهندسی رودخانه‌ها و سواحل شد. او در این گفت‌وگو از تهیه اسناد برای صدور سند مالکیت ۴۲ تالاب کشور به‌نام وزارت نیرو خبر می‌دهد. منتقدان وزارت نیرو مدعی هستند این وزارتخانه به دنبال فروش بستر خشک تالاب‌ها و رودخانه‌ها برای کسری بودجه ناشی از کاهش سدسازی است. جعفری در این گفت‌وگو تأکید می‌کند این وزارتخانه در بهارستان به دنبال تصویب قانونی است که به وزارت نیرو اجازه فروش بستر خشک انهار را بدهد.

چرا وزارت نیرو به یکباره سراغ سند تالاب انزلی رفت؟

برای حفاظت از تالاب انزلی اولین کاری که باید انجام بشود جلوگیری از سند گرفتن بیشتر اشخاص و افراد حقیقی _ روندی که تا حالا اتفاق افتاده _ است.

یعنی سندهایی که همچنان برای تالاب‌ها صادر می‌شود، متوقف شود. برای جلوگیری از آن هیچ راهی به غیر از اینکه سند این عرصه در جایی ثبت شود، وجود ندارد.

مگر عرصه‌های ملی در مالکیت سازمان جنگل‌ها نیست؟

وقتی تالاب‌ها را تعیین عرصه و حریم می‌کنیم ،حدود این تالاب‌ها اگر در جایی ثبت نشود کسانی که اسناد قولنامه‌ای دارند یا کسانی که اسنادی ندارند و دنبال گرفتن سند برای این عرصه‌ها هستند می‌توانند با اقداماتی که پیگیری می‌کنند، برای این زمین‌ها سند بگیرند. پس علی القاعده تمام عرصه‌های ما باید در جایی ثبت شود. چه کسی آمده این را تکلیف کرده؟ ما یک قانونی داریم به اسم قانون کاداستر(جنگل) که سال ۹۳ مصوب شده است. قانون کاداستر در مواد ۹۰،۳ و ۱۱ روی این موضوع تأکید می‌کند. ماده ۳ این قانون تالاب ثبت را مکلف کرده تمام عرصه‌های طبیعی اعم از رودخانه، جنگل، تالاب، مرداب، برکه و... باید در سامانه کاداستر ملی جامنامی شود. در ماده ۹ آن تأکید کرده دستگاه‌هایی که متولی حفاظت از این عرصه‌ها هستند و این حدود را تعیین می‌کنند حد آنها را به سازمان ثبت اعلام کنند. ماده ۱۱ آن هم تأکید کرده‌است که سازمان ثبت بعد از این فرایند‌ها اسناد دفترچه‌ای را صادر کند. اینها همه مهلت دارد و تا پایان برنامه ششم باید این اتفاق‌ها در کشور بیفتد. یعنی از سال ۹۳ که قانون کاداستر آمد روی میز، سازمان ثبت از وزارت نیرو این قانون را پیگیری کرده که عرصه‌هایی که حد آن را تعیین می‌کند به سازمان ثبت بدهد. این یک مستند قانونی است. مستند قانونی بعدی که ما به استناد به آن این فرایند را پیگیری می‌کنیم ماده ۲، تبصره‌ها و آیین‌نامه‌های قانون توزیع عادلانه آب است که سال ۷۹ مصوبه هیات وزیران را گرفته. این قانون گفته وزارت نیرو بعد از اینکه حدود(رودخانه‌ها، مرداب‌ها و...) را تعیین و اعلام عمومی وبه اعتراضات رسیدگی کرد، نقشه‌ها را به سازمان ثبت بدهد. آن موقع سامانه کاداستر نبود ما فقط نقشه را به سازمان ثبت می‌دادیم، سازمان ثبت از این نقشه چه استفاده‌ای می‌کرد؟ به استناد این نقشه دیگر سند جدید صادر نمی‌کرد اما الان که

باشد، اگر این عرصه منابع طبیعی با شهر

تداخل پیدا کند، قوانین شهر به آن حاکم می‌شود ولی اگر رودخانه از شهر رد شود

قوانین شهر به آن حاکم نمی‌شود که بتوان

اراضی آن را فروخت و واگذار کرد. اینها

انفال است.

وزارت نیرو مسئول آب است، بستر و

زمین آن منابع ملی است و در مالکیت

سازمان جنگل‌ها است.

روی این قضیه محیط زیست هم

چنین ادعایی را دارد. موضوع این است

که ما همه دولت هستیم و علی القاعده

این زمین‌ها برای ما منافعی ندارد.

یعنی اینکه فرض کنید وزارت نیرو از این

موضوع منفعتی می‌برد که بقیه دستگاه‌ها

نمی‌برند، نیست.

وزارت نیرو نگاه بهره بردارانه به آب دارد.

یکی از علل خشک شدن تالاب‌ها، سدسازی

و انتقال آب‌های وزارت نیرو بوده است.

حالا همین وزارتخانه آمده و دست گذاشته

است روی زمین و بستر تالاب‌ها.

اگر تبصره ۴ ماده ۲ قانون توزیع عادلانه

آب را بخوانید متوجه می‌شوید صحبت

دوستان مبنی بر اینکه وزارت نیرو فقط

یک چیز جدید دارند و آن، این است که مالکیت بستر رودخانه و... به وزارت نیرو برسد و اجازه فروش داشته باشد.

نه ما چنین چیزی را برای تصویب نبرده‌ایم. دوستان یک چیزهای را قاطی می‌کنند. مستندشان را به ما نشان بدهند.

ببینید در رابطه با تالاب انزلی ما آمدم حد بستر تالاب انزلی را طبق موادی که خواندم و طبق دو مواد دیگر قانون اراضی

مستحدث و ساحلی تبصره ۲ ماده ۲ قانون اراضی مستحدث مصوب سال ۸۷

و آیین‌نامه حفاظت از تالاب‌ها و مصوب

سال ۹۴ ماده ۲ به صراحت دارند تأکید

می‌کنند که حد و بستر تالاب‌ها را وزارت نیرو مشخص کند. متولی آیین‌نامه اراضی

مستحدث و ساحلی، جهاد کشاورزی است یعنی باز در آیین‌نامه ایجاد آمده، گفته

وزارت نیرو برود حد تالاب‌ها را مشخص کند. متولی آیین‌نامه حفاظت از تالاب‌ها

هم محیط زیست ، محیط زیست باز در

این آیین‌نامه به وزارت نیرو تکلیف کرده تا

حد و بستر و حریم تالاب‌ها را تعیین کند.

پس نمی‌توانیم بگوییم یک باره وزارت

نیرو خودش را وسط انداخته است. سال

تالاب های امیرکلاهی، شور و شیرین میناب، طشک و بختگان در فارس، هورالعظیم وشادگان در خوزستان، قره قشلاق، قوری گل، الاکل، الماکل واجی گل در گلستان از مهم‌ترین تالاب‌هایی هستند که به‌نام وزارت نیرو سند می‌خورند

تالان حدود ۴۲ تالاب را تعیین بستر و حریم کردیم. تمام این نقشه‌ها به سازمان ثبت داده

شده و این فرایند‌ها در دست پیگیری است که سازمان ثبت سند تالاب های دیگر را هم برای

وزارت نیرو صادر کند. اینکه چرا یکباره تالاب انزلی با حساسیت مردمی و رسانه‌ای رویه رو شد،

علت برای من هم خیلی مشخص نیست

وزارت نیرو هیچ حساسیتی روی سند تالاب‌ها ندارد. مواد و قوانینی که به‌نظر ما مستند بوده و باید این کار را انجام می‌دادیم از ما خواسته شده است. من همین الان باید مدام به سازمان

ثبت دستگاه‌های نظارتی جواب بدهم که چرا در صدور سند‌ها تأخیر شده است. همین الان

منابع طبیعی جلوی سند‌های رودخانه‌ها هم با همین ادله گرفته است. اگر دستگاه‌بالادستی

به ما بگوید این مفاهیم سو، تفسیر شده باید دستگاه دیگری به موجب موادی که من تا الان

ندیدم متولی باشد. بگویند اصلا به نام مردم می‌زنیم نه به نام وزارت نیرو

تملك وزارت نیرو در بیاورید. تکلیف بستر خشک شده آن چیست؟

هیچی انفال است و به همین صورت باقی می‌ماند.

یعنی شما فقط به دنبال فروش انهار هستید. وسعت انهار چقدر است؟

خیلی کم است.

مثلاً؟

خیلی کم. به قدری که مثلاً... ببینید

ما ۱۴۶ هزار کیلومتر رودخانه داریم از

نظر فنی نهر با رودخانه فرق دارد. نهر

مثل کانال می‌ماند. حالا وقتی این اراضی

خشک می‌شوند، شما مراجعه کنید به

ما بگویید با این انهار چه کار می‌کنید.

می‌گوییم هیچی همین‌طور روی زمین

جاری اند. نه در سند مالکیت شماس‌ت که

شما به‌عنوان مالک زمین بودی و این نهر

را برای زمین ات کشیدی می‌ماند نه برای

کسی. شما میدان ونک را در نقشه‌های

کند. موضوع این قضیه است. شما فکر

کردید دستگاه‌های نظارتی و دستگاه‌های

بازرسی و خود قانون به ما چنین اجازه‌ای

را می‌دهد که رودخانه را بفروشم.

دنبال فروش بستر خشک رودخانه‌های

فصلی نیستید؟

نه. اصلاً چنین چیزی نیست. از منابع

طبیعی بپرسید عرصه‌های منابع طبیعی

اگر داخل شهر باشد، شما با آن چه کار

می‌کنید؟ می‌دهند به مسکن و شهرسازی

و مسکن و شهرسازی واگذار می‌کند.

خب این قانون هم باید عوض شود.

چون الان با تخریب منابع طبیعی جایی

برای نفس کشیدن در شهر‌ها نمانده است.

خب من به شما می‌گویم دنبال این

هستیم تا این بستر‌ها به‌عنوان انفال

ثبت شود نه منابع طبیعی. الان با منابع

طبیعی سر همین موضوعی که آقایان

ادعا دارند، جلسات مکرر دارم. به آنها

گفتم شما داخل محدوده شهر و روستا را

چکار می‌کنید؟ می‌گویند ما که متولی آن

نیستیم، شما اجازه نمی‌دهید من حتی

سند رودخانه داخل شهر را هم بگیرم.

می‌گوییم سند رودخانه‌ای داخل شهر

متعلق به کیست؟ می‌گویند آن را بروید

بگیرید. ای بابا. تا الان کل رودخانه داخل

منابع طبیعی بود حالا وقتی با شهر تداخل

پیدا کرده واگذارش کردید به شهر. الان

برای من این دردسر را دنبال کردید که مثلاً

فرض کن در کرمانشاه نوعی منابع طبیعی

در جایی که با شهر تداخل پیدا کرده اراضی

به مسکن و شهرسازی واگذار شده و آنها

هم داده اند به تعاونی مسکن رفته.

حالا که می‌خواهند بسازند ما متوجه

شدیم رودخانه است می‌گوییم چرا وسط

رودخانه دارید می‌سازید می‌گویند اینها

دیگر کشت نمی‌شود، پس ما این رابراه

را نه به خودشان می‌توانیم بدهیم نه

به دولت. خود کشاور‌ها آمدند اینجا

اعتراض کردند که نهر را به ما واگذار کنید

ببینید نهر چیست؟ نهر مجریایی است که مردم خودشان آب را از رودخانه می‌برند روی زمین شان. حالا زمین آنها دیگر کشت نمی‌شود، پس ما این رابراه را نه به خودشان می‌توانیم بدهیم نه به دولت. خود کشاور‌ها آمدند اینجا اعتراض کردند که نهر را به ما واگذار کنید

تالاب های امیرکلاهی، شور و شیرین میناب، طشک و بختگان در فارس، هورالعظیم وشادگان در خوزستان، قره قشلاق، قوری گل، الاکل، الماکل واجی گل در گلستان از مهم‌ترین تالاب‌هایی هستند که به‌نام وزارت نیرو سند می‌خورند

تالان حدود ۴۲ تالاب را تعیین بستر و حریم کردیم. تمام این نقشه‌ها به سازمان ثبت داده

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

از اینکه من وشما به دنیا بیاییم. حالا شما به من بگویید که آیا این قانون پشتوانه‌ای گذاشته برای کشاورزهایی که حقایه بالاتر از عمر من و شما دارند.

بحث علمی بکنیم یا بحث غیرعلمی؟ قطعاً علمی.

الان خشک شدن تالاب‌ها علاوه بر

میلیاردها تومان خسارت اقتصادی و نابودی

مشاغل کشاورزی باعث متروک شدن

روستاها شده و بستر آنها به کانون ریزگردها

تبدیل می‌شود.

من قبول دارم.

پس ما با دادن حقایه اتفاقاً اول آینده آن

کشاورز را تضمین می‌کنیم. یعنی سرزمینی

وجود داشته که کشاورز بیاید و کشاورزی کند

ولی شما الان دارید برعکسش را می‌گویید.

شما بگویید اگر الان نتوانیم جلوی کشاورز

را بگیریم فردا که سند همه تالاب‌ها به اسم

وزارت نیرو خورد چطور می‌خواهید جلوی

کشاورزان را برای دادن حقایه بگیرید؟

ببینید وزارت نیرو هیچ حساسیتی

روی سند تالاب‌ها ندارد. مواد و قوانینی

که به نظر ما مستند بوده و باید این کار را

انجام می‌دادیم از ما خواسته شده است.

من همین الان باید مدام به سازمان ثبت

دستگاه‌های نظارتی جواب بدهم که چرا در

صدور سند‌ها تأخیر شده است. همین الان

منابع طبیعی جلوی سند‌های رودخانه‌ها

را هم با همین ادله گرفته است. اگر

دستگاه بالادستی به ما بگوید این مفاهیم

سوءتفسیر شده باید دستگاه دیگری به

موجب موادی که من تا الان ندیدم، متولی

باشد. بگویند اصلاً به‌نام مردم می‌زنیم نه

به‌نام وزارت نیرو.

به نام مردم که قرار نیست بزنیم.

منظورم این است که ما هیچ حساسیتی

نداریم.

بحث مشخص است. تالاب‌ها جزو

مناطق چهارگانه است و مدیریت و نظارت

آن با محیط‌زیست که سندش جزو اراضی

ملی با سازمان جنگل هاست.

بیبن، ما از خدامونه که محیط‌زیست

تبصره ۴ را از ما بگیرد.

یعنی اگر واقعاً کشور به این سمت

رفته است که فکر می‌کند وزارت نیرو هیچ

حساسیتی برای گرفتن اسناد ندارد چون از

کنار این منافی نمی‌برد، کلی بازخواست

می‌شود. اگر تفسیر دولت و قوه قضائیه

و تبصره ۴ تکلیف بی‌خودی را به وزارت

نیرو محول کرده، این را تفویض کنند به

محیط‌زیست و مسکن شهرسازی، ما هم

استقبال می‌کنیم.

آیا گرفتن اراضی و بستر رودخانه‌ها با

کاهش سدسازی و کمبود منابع درآمدی

وزارت نیرو و ایجاد درآمد جدید با فروش

زمین‌های متروک مسیر انهار و رودخانه‌ها

ارتباطی ندارد؟

من به خرس قاطع تأکید می‌کنم که

هیچ ارتباطی این قضیه به آن موضوع

ندارد. فقط و فقط در راستای اجرای تبصره

۴ است. الان اتفاقاً باید بگویم بخش ای اگر

اینقدر زورش می‌چربید باید به ما می‌گفت

چرا این بستر رودخانه‌ها و تالاب‌ها را آنقدر

زیاد می‌گیرد که من نتوانم پرش کنم.

منتقدهای شما هم می‌گویند بستر را زیاد

می‌گیرید تا فردا که خشک شد بفروشد.

اگر وزارت نیرو یک سانت زمین فروخته

آن یک سانت را نشان بدهند. به هیچ

نحوی انفال قابل فروش نیست و واگذاری

آن تخلف قانونی است. ما چیزی که بستر

اعلام می‌کنیم، اجازه فروش ندارد.

گفتید انهار جز انفال نیست، چرا؟

ببینید شما از یک رودخانه نهر کشیدید

توی زمین خودت. حالا خشک شده. من

طبق ماده قانونی می‌توانم آن را بفروشم.

غیر از این مثلاً دو متر از زمین شما به‌عنوان

نهر خشک کسر می‌گردد.

من مالکم یک روزی آب توی زمین بردم

الان چرا باید زمینی که مال خودم است را

دوباره بخرم؟

نه درباره زمین‌هایی حرف می‌زنیم که

مالکش مشخص نیست.

آنها هم می‌شود اراضی ملی...

قضیه انهار فرق دارد چون هیچ

مخاطره‌ای برای کسی ندارد.

الان با مخاطره‌اش کاری ندارم. یک

زمینی است یا جزو اراضی ملی است یا

اراضی مردم.

الان اراضی ملی هم روی آن نیست.

یعنی چی ملی نیست، مردمی هم

نیست. پس چیست؟

همین را می‌گویم. ملی نیست چون

مثلاً اراضی کشاورزی شده مسکونی و

داخل شهر افتاده. در داخل شهر و روستا

اراضی ملی نداریم.می‌خواهد رودخانه

باشد یا تالاب. این انهار بعد از خشک

شدن تبدیل به محل زباله شده. من

باید این را یا به مسکن و شهرسازی یا به

شهرداری بدهم یا بفروشم چون وقتی

می‌خواهیم یک جایی را استملک کنیم

و دولت پول استملک را ندارد بنابراین به

مجلس پیشنهاد دادیم که ما می‌خواهیم

انهار را بفروشیم حالا یا با موافقت می‌کنند

یا نمی‌کنند.